

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Literary-Cultural

ادبی - فرهنگی

شعر از عشق‌ری
فرستنده: محمود شاداب
۲۴ جولای ۲۰۱۸

[از من نشد]

من نمی‌گویم به عالم روزگار از من نشد
گل‌زد از داغ فراقش سینه مجروح من
هرچه شد از من مگر افسوس یار از من نشد
گشت یار هرکسی آن گل‌عذار، از من نشد
بر دلم امید یاری حیدری زان یار بست
در خزان چون گردد از من در بهار از من نشد
جانکمی هامن نمودم گشت خوراکِ دگر
باغیان بودم مگر سیب و انار از من نشد
با حریفان باختم یک‌دو، بُردم ای دریغ
شب سحر گردید، میدان قمار از من نشد
عاقبت گشتم فرار بالامرغاب عشق‌ری
بختِ واژگونم ببین یار و دیار از من نشد